

رویکرد کنوانسیون حقوق دریاها نسبت به مدیریت و بهره‌برداری منابع ژنتیک دریاهای آزاد و تسهیم منافع آن

جواد صالحی*

چکیده

سازوکار بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی واقع در منطقه و دریاهای آزاد و تسهیم منافع ناشی از آنها، از موضوعات مغفول مانده در کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) است. این نقیصه بعدها در کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲) با شناسایی منابع ژنتیک و در پروتکل ناگویا (۲۰۱۰) با تسهیم منافع ناشی از آن مرتفع شده است. لیکن شناسایی منابع ژنتیک دریایی و تسهیم منافع ناشی از آن، در این اسناد حداکثر به مناطق دریایی تحت صلاحیت دولت‌های ساحلی محدود هستند. الگوی جدید سازمان ملل متحد برای تسری این قواعد با در نظر گرفتن بایسته‌های کنوانسیون حقوق دریاها در منطقه و دریاهای آزاد با چالش اولویت اصل دسترسی آزاد بر اصل میراث مشترک بشریت یا برعکس و برخورداری از امتیازها و تبعیت از محدودیت‌های آنها حسب مورد در این حوزه مواجه است که بررسی ابعاد آن، موضوع و هدف این نوشتار قرار گرفته است. این مقاله با ابتدای بر روش توصیفی-تحلیلی، به این سؤال اصلی پاسخ می‌دهد که رویکرد کنوانسیون حقوق دریاها نسبت به بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی در منطقه و دریاهای آزاد و تسهیم منافع ناشی از آنها چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دو رویکرد کنوانسیون حقوق دریاها در این ارتباط، شامل اصل دسترسی آزاد و اصل میراث مشترک بشریت هستند که نسبت به منابع ژنتیک دریایی نیز قابل سرایت و تعمیم هستند. انتخاب هر یک از این رویکردها، موجب برخورداری از امتیازات و الزام تبعیت از مقتضیات آنها است.

واژگان کلیدی: اصل میراث مشترک بشریت، پروتکل ناگویا، دریاهای آزاد، کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون حقوق دریاها، منابع ژنتیک دریاها.

مقدمه

حفاظت از تنوع زیستی آسیب‌پذیر دریاها، مستلزم توجه بیشتر دولت‌ها است. الزام دولت‌ها به حمایت از محیط‌زیست دریاها و حفاظت از منابع زنده آن، از بایسته‌های حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است که در «کنوانسیون حقوق دریاها»^۱ متجلی است.^۲ کنوانسیون حقوق دریاها، واجد الزام‌های کلی برای حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریاها و توسعه و مدیریت منابع تنوع زیستی آن‌ها است. «منابع ژنتیک دریایی»^۳ با کاربرد تحقیقاتی، صنعتی و تجاری واقع در «منطقه بستر بین‌المللی دریا»^۴ (زین پس؛ منطقه) و دریاهای آزاد نیز بخشی از این تنوع زیستی و از دلایل رعایت این الزام هستند؛ اما دولت‌ها با استناد به اصل تجارت آزاد و در راستای اهداف تجاری و دیگر منافع محتمل از منطقه و دریاهای آزاد زیاده‌روی می‌کنند.^۵ این دسته از دولت‌ها با استناد به مفاهیم مالکیت مشترک، دسترسی آزاد و حقوق برابر دولت‌ها، با یکدیگر در بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی مسابقه می‌دهند. در عین حال که عمده اختلاف نظرات پیرامون منابع ژنتیک دریایی واقع در منطقه و دریاهای آزاد، حاکی از ناکافی بودن سازوکارهای موجود و لزوم تصویب موافقت‌نامه اجرایی الحاقی جدید تحت نظارت و مدیریت مجمع عمومی سازمان ملل متحد به کنوانسیون حقوق دریاها است. بر این اساس، توسعه سازوکار الزام‌آور حقوقی بین‌المللی در حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی «مناطق خارج از صلاحیت ملی دولت‌ها»^۶ شامل منطقه و دریاهای آزاد را «کارگروه تنوع زیستی مناطق خارج از صلاحیت ملی»^۷ از مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقاضا کرده است، مشروط به اینکه مقررات جدید ناقض اصول و قواعد کنوانسیون حقوق دریاها و دیگر سازوکارهای مرتبط نباشند.

1. Convention on the Law of the Sea, 1982.

۲. کنوانسیون حقوق دریاها در ۱۶ دسامبر ۱۹۸۲ تصویب و از ۱۶ نوامبر ۱۹۹۶ به اجرا درآمده است و تاکنون ۱۶۸ کشور به آن پیوسته‌اند.

3. Marine Genetic Resources.

4. International Seabed Area.

۵. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ن.ک: (جلالی، آرش‌پور و نوابی‌فرد، ۱۳۹۷: ۵۱).

6. Areas Beyond National Jurisdiction.

7. Bio-diversity in Areas Beyond National Jurisdiction Working Group.

حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی دریایی مستقر در مناطق خارج از صلاحیت ملی دولت‌ها از موضوعات مدنظر مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ذیل قطعنامه جدید است (United Nations, 2015:2). هدف کلی از جعل این سازوکار، شناسایی خلأها و نقایص مانع از مدیریت مؤثر منابع ژنتیک دوسوم وسعت دریاها است که از صلاحیت ملی تمام دولت‌ها خارج است. خروج این مناطق از صلاحیت ملی دولت‌ها باعث شده است تا دولت‌های پیشرفته برای بهره‌برداری از منابع ژنتیک آن با مخالفت و ممانعت دیگر دولت‌ها مواجه نباشند و در زیاده‌روی در بهره‌برداری از آن‌ها هم به کسی پاسخ‌گو نباشند. لذا تلقی دولت‌ها از منابع ژنتیک دریایی متحول شده است. لیکن برای استقرار قواعد بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی به سازوکار الزام‌آور جهانی مورد وفاق نیاز است. دولت‌های شرکت‌کننده در این اجلاس پذیرفته‌اند که این سند برای فعالیت‌های راجع به منابع ژنتیک دریایی واقع در مناطق خارج از صلاحیت ملی واجد چارچوب حقوقی لازم است (United Nations, 2010). نتیجه تقریباً یک دهه مذاکرات با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در این زمینه، باعث تنظیم بسته پیشنهادی با محوریت بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی و تسهیم منافع ناشی از آن شده است تا در قالب موافقت‌نامه پیشنهادی اجرایی تنوع زیستی^۱ الحاقی به کنوانسیون حقوق دریاها، مدنظر دولت‌های عضو برای اجرا در مناطق خارج از صلاحیت ملی تصویب شود.^۲

اما باور نویسنده این است که اصول کلی کنوانسیون حقوق دریاها بر منابع ژنتیک دریایی نیز قابل‌تعمیم و تسری هستند. اصول مقرر در کنوانسیون حقوق دریاها آن‌قدر

1. Implementation Agreement of Biological Diversity.

۲. به این منظور برگزاری اجلاس‌های متعدد با حضور تمام دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق دریاها و جمع‌بندی مباحث آن‌ها در سال‌های ۲۰۱۸، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ برای بهره‌گیری در متن نهایی موافقت‌نامه اجرایی جدید الحاقی به کنوانسیون حقوق دریاها در کنترل و مدیریت مجمع عمومی سازمان ملل متحد است. کمیته مقدماتی مجمع عمومی سازمان ملل متحد مسئول برگزاری نشست‌های تخصصی و ارائه ماحصل آن‌ها است (Blasiak and et al, 2016: 2). در عین حال که مطالعه سازوکارهای الزام‌آور حقوقی بین‌المللی مستخرج از کنوانسیون حقوق دریاها و کنوانسیون تنوع زیستی در ارتباط با بهره‌برداری قاعده‌مند از منابع ژنتیک دریایی واقع در منطقه و دریاها، یکی از پیشنهادها مطرح در این زمینه است.

جامع‌الشمول هستند که بتوان آن‌ها را نسبت به منابع ژنتیک دریایی به کار گرفت. از این‌رو الگوی جدید سازمان ملل متحد برای تسری این قواعد، احتمالاً با چالش اولویت یکی بر دیگری و برخورداری از امتیازات و تبعیت از محدودیت‌های آن در ارتباط با منابع ژنتیک دریایی مواجه است که موضوع و هدف این نوشتار قرار گرفته است. سؤال پژوهش این است که رویکرد کنوانسیون حقوق دریاها نسبت به بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی در منطقه و دریاهای آزاد و تسهیم منافع ناشی از آن‌ها چیست؟ فرض بر این است که دو رویکرد متفاوت برای بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی واقع در منطقه و دریاهای آزاد و تسهیم منافع ناشی از آن‌ها شامل اصل دسترسی باز تمام دولت‌ها و اصل میراث مشترک بشریت وجود دارد، هرچند که هنوز مشخص نیست کدام‌یک از این دو الگو از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد و با چه ترتیبی در نظر گرفته می‌شود. لذا در این نوشتار تلاش می‌شود تا احتمال به‌کارگیری هر یک از این دو نظریه نسبت به منابع ژنتیک دریایی منطقه و دریاهای آزاد و تسهیم منافع ناشی از آن‌ها و به طریق اولی برخورداری از امتیازات و تبعات احتمالی توسل به آن‌ها مورد بررسی، تحلیل و نقد قرار گیرند و بهترین سازوکار ارائه شود. بر این اساس ابتدا مفهوم‌شناسی و سازوکارهای مدیریت منابع ژنتیک دریایی در منطقه و دریاهای آزاد مورد بحث قرار می‌گیرد. در ادامه الزام‌های قابل‌اجرای حقوق بین‌الملل دریاها در بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی و پس از آن الزام‌های کنوانسیون تنوع زیستی و امکان تلفیق الگوی آن با اصل میراث مشترک بشریت در مرکز توجه قرار گرفته است. در نهایت نیز، قابلیت تسری اصل آزادی دسترسی به منابع ژنتیک دریاهای آزاد مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

۱. منابع ژنتیک دریایی؛ از مفهوم‌شناسی تا سازوکارهای آن در منطقه و دریاهای آزاد
منابع ژنتیک دریایی شامل اسفنج‌های دریایی، کریل‌ها، مرجان‌ها، جلبک‌ها، باکتری‌های دریایی اعماق دریاها، دارای خصوصیات منحصربه‌فردی هستند که باعث نوآوری‌های خاص در بخش‌های دارویی، غذایی و انرژی‌های تجدیدپذیر می‌شوند

(Leary and et al, 2009: 183). از این حیث، منابع ژنتیک دریایی دارای ارزش تجاری سازی در بخش های سلامت، فرآوری صنعتی و زیست شناسی هستند (Scovazzi, 2010: 51). ترکیبات حاصل از موجودات زنده دارای مواد ژنتیک برای کاربردهای پزشکی و بهداشتی در ساخت داروهای ضد سرطان، محصولات آرایشی و بهداشتی محافظ پوست از اشعه ی ماوراءبنفش و گرمای شدید، جلوگیری از التهاب پوست، خنثی کردن سم ناشی از مارگزیدگی، ترکیب های ضد ویروسی، ضد حساسیت، ضد انعقاد خون یا کاربردهای صنعتی برای ساخت ترکیب های ضد چسبندگی استفاده می شوند (Subsidiary Body on Scientific, Technical and Technological Advice of the CBD, 2005: 21). این وضعیت مرهون علم «زیست فناوری»^۱ است که برای تولید فرآورده های جدید، ایجاد تکنیک های جدید ردیابی، ارزیابی، ذخیره، حفاظت و مدیریت زیست بوم های دریایی و توسعه شیلات کاربرد دارد. هرچند که این امکان به اعتقاد برخی، تنها برای معدود کشورهای پیشرفته فعال به لحاظ قدرت اقتصادی و برخورداری از فناوری پیشرفته در این حوزه و شرکت های تابعه آنها فراهم است (Haond, Arrieta and Duarte, 2011: 1521).

این وضعیت، ناشی از الزام آور نبودن انتقال فناوری استخراج منابع ژنتیک دریایی در کنوانسیون حقوق دریاها است (Drankier and et al, 2012: 376)، زمانی که دول پیشرفته بدون قید و شرط از منابع ژنتیک دریاها بهره برداری می کنند و منافع ناشی از آنها را با سایر دولت ها تسهیم نمی کنند و تکنولوژی های لازم استخراج و بهره برداری از آنها را به دیگر دولت ها انتقال نمی دهند. حال آن که استفاده از دریاها و بهره برداری از منابع زنده و غیرزنده آن، مستلزم انتقال تکنولوژی های لازم از سوی دول پیشرفته به دول در حال توسعه است. این وضعیت باعث شده است تا دسترسی و استخراج منابع ژنتیک دریایی در مناطق خارج از صلاحیت ملی برای آنها حفظ شود و بدون رقیب باقی بماند، در حالی که سایر کشورها به لحاظ موانع اقتصادی و فناوری از دسترسی و بهره برداری از منابع ژنتیک دریایی محروم هستند. این در حالی است که اقیانوس ها،

حسب مورد بخشی از منطقه و دریا‌های آزاد هستند و جزو مناطق خارج از صلاحیت ملی دولت‌ها تلقی می‌شوند. مسئولیت مدیریت و امتیاز بهره‌برداری از منابع ژنتیک آن‌ها بر عهده یا متعلق یک یا چند دولت خاص نیست و به تمام دولت‌ها تعلق دارد؛ اما کنوانسیون حقوق دریاها واجد مقررات لازم در زمینه «اکتشاف زیستی»^۱ منابع ژنتیک دریایی واقع در منطقه و دریا‌های آزاد و آن‌ها نیست. حال آن‌که اهمیت اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی منابع ژنتیک دریایی و اکتشاف زیستی^۲ آن‌ها روزافزون است و باعث بروز نگرانی‌های جدی دولت‌ها در شیوه بهره‌برداری از این منابع و نابودی آن‌ها در نتیجه بهره‌برداری بیش از اندازه و غیرمسئولیت‌آور شده است.

برای رفع این نگرانی، بعدها «کنوانسیون تنوع زیستی»^۳ با مقررات حفاظت از تنوع زیستی و تعریف منابع ژنتیک به منظور استفاده عادلانه و پایدار همگان تصویب شد، اما قلمرو آن به مناطق تحت صلاحیت دولت‌ها محدود ماند. این وضعیت باعث شد از مقررات کنوانسیون تنوع زیستی در ارتباط با منابع ژنتیک دریایی واقع در مناطق تحت صلاحیت دولت ساحلی شامل آب‌های داخلی، دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی استفاده شود؛ اما این حد از قاعده‌سازی برای رفع کامل آن نگرانی‌ها کفایت نکرد، منصرف از اینکه تسهیم منافع مادی یا غیرمادی منابع ژنتیک دریایی در کنوانسیون تنوع زیستی پیش‌بینی نشده بود. لذا سال‌ها پس از آن، پروتکل دسترسی به منابع ژنتیک و تسهیم منصفانه و عادلانه منافع ناشی از استفاده آن‌ها^۴ (زین پس؛ پروتکل ناگویا یا پروتکل الحاقی)، در صدد ایجاد سیستم کنترل قوانین داخلی برای دسترسی و تسهیم عواید استفاده از منابع ژنتیک برآمد. هدف پروتکل ناگویا^۵، حفاظت

1. Bioprospecting.

۲. برای مطالعه بیشتر در این رابطه ن.ک: (موسوی و میرمحمدی، ۱۳۹۶: ۵۹).

3. Convention on Biological Diversity, 1992.

4. Protocol on Access to Genetic Resources and the Fair and Equitable Sharing of Benefits Arising from Their Utilization to the Convention on Biological Diversity, 2010.

۵. پروتکل ناگویا در ششمین اجلاس متعاهدین پروتکل ایمنی زیستی کارتاگنا در ناگویای ژاپن در سال ۲۰۱۰ به تصویب رسیده است و از سال ۲۰۱۴ به اجرا درآمده است. موضوع پروتکل الحاقی ناگویا مشارکت دولت‌ها در حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی و جلوگیری از خطرات و جبران خسارات ناشی از موجودات زنده

از منابع ارزشمند ژنتیک و گونه‌ها و زیستگاه‌های در معرض خطر است. پروتکل ناگویا با تأکید بر بهره‌برداری از منابع ژنتیک با اشاره به تحقیق و توسعه، واجد تحقیقات علمی دریایی است (Morgera, Tsioumani and Buck, 2014: 63). از این منظر تردیدی نیست که تحقیقات مدنظر پروتکل ناگویا یک گام از تحقیقات علمی دریایی مدنظر کنوانسیون حقوق دریاها جلوتر و بر اساس ماده ۸ کنوانسیون تنوع زیستی نیز شامل اکتشاف زیستی منابع ژنتیک دریایی است؛ اما اشارات پروتکل ناگویا به منابع ژنتیک مناطق خارج از صلاحیت ملی هم ناظر به مقررات ماده ۱۵ کنوانسیون تنوع زیستی است که فقط منابع ژنتیک دریایی تحت صلاحیت ملی دولت ساحلی را پوشش می‌دهد و هم فرایندها و فعالیت‌های تحت صلاحیت و کنترل دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق دریاها در مناطق خارج از صلاحیت ملی را مستثنا می‌کند؛ بنابراین بهره‌برداری و تسهیم منافع حاصل از استخراج منابع ژنتیک دریایی در مناطق خارج از صلاحیت ملی همچنان از چالش‌های امروز حقوق بین‌الملل است. لذا مدیریت استخراج منابع ژنتیک دریایی به طرق مختلف (Sharma, 2017: 71; Tladi, 2017: 259) شامل رویکرد بدون قانون‌گذاری جدید، رویکرد تحت کنترل «مقام بین‌المللی بستر دریا»، رویکرد تحت مقررات کنوانسیون تنوع زیستی یا تحت رژیم بین‌المللی جدید همچنان محل بحث و تبادل نظر است.

بر این اساس برخی معتقدند که هیچ سازوکاری در کنوانسیون حقوق دریاها و اسناد بین‌المللی مرتبط برای بهره‌برداری و تسهیم منافع ناشی از منابع ژنتیک دریایی در منطقه و دریاها آزاد وجود ندارد (Bird, 2018: 416)؛ اما دولت‌های فعال در زمینه بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی در این مناطق، این‌طور فکر نمی‌کنند. آن‌ها بر اساس مقررات کنوانسیون حقوق دریاها معتقدند که منابع ژنتیک دریایی واقع در منطقه

تراریخته است. پروتکل ناگویا، قرارداد الحاقی کنوانسیون تنوع زیستی است که در راستای تقویت بند سوم از کنوانسیون تنوع زیستی راجع به تسهیم منصفانه و عادلانه منافع حاصل از منابع ژنتیک به تصویب رسیده است که ناظر به محدودیت اعمال نسبت به منابع ژنتیک دریایی قابل استخراج از مناطق دریایی تحت صلاحیت و حاکمه دولت ساحلی است و شامل مناطق دریایی خارج از صلاحیت ملی دولت‌های عضو نیست.

1. International Seabed Authority.

مشمول هیچ مقررات دیگری نیستند و منابع ژنتیک دریایی دریاهای آزاد نیز مشمول آزادی دریاهای آزاد و دسترسی آزادانه برای همگان هستند. این دولت‌ها استدلال می‌کنند که استخراج و بهره‌برداری منابع ژنتیک دریایی واقع در منطقه مشمول مقررات کنوانسیون حقوق دریاهای و «موافقت‌نامه اجرایی آن»^۱ نیستند، زیرا رژیم حقوقی حاکم بر منطقه فقط نسبت به منابع معدنی و تابع مقررات قسمت ۱۱ کنوانسیون حقوق دریاهای و موافقت‌نامه اجرایی آن است. بر این اساس مقررات کنوانسیون حقوق دریاهای محدود به اکتشاف، استخراج و تسهیم منافع ناشی از منابع معدنی در منطقه است^۲ که تحت نظارت و مسئولیت مقام بین‌المللی دریاهای صورت می‌گیرد^۳ و شامل منابع ژنتیک دریایی نمی‌شود. لذا این وضعیت، لزوم بررسی الزام‌های قابل اجرا حقوق بین‌الملل دریاهای بر منابع ژنتیک دریایی واقع در منطقه و دریاهای آزاد را دوچندان می‌کند. کما اینکه انطباق مقررات موافقت‌نامه اجرایی جدید با اصول و قواعد کنوانسیون حقوق دریاهای و دیگر سازوکارهای مرتبط از مؤکدات کارگروه تنوع زیستی مناطق خارج از صلاحیت ملی نیز است.

۲. الزام‌های قابل اجرا حقوق بین‌الملل دریاهای در بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی
 الزام‌های قابل اجرا در حقوق بین‌الملل دریاهای برگرفته از مقررات حقوق بین‌الملل عرفی هستند که در کنوانسیون حقوق دریاهای تصریح شده‌اند و حقوق بین‌الملل دریاهای را توسعه داده‌اند. از این منظر نباید تجربیات حاصل از اجرای کنوانسیون حقوق دریاهای در رابطه با اکتشاف و استخراج منابع زنده یا معدنی در زمان قاعده‌مند کردن استخراج منابع ژنتیک دریایی کنار گذاشته شوند. لذا رژیم آزادی دریاهای آزاد یا رژیم میراث

1. Agreement relating to the implementation of Part XI of the United Nations Convention on the Law of the Sea, 1994.

۲. هر چند که در ابتدا مقررات قسمت ۱۱ کنوانسیون حقوق دریاهای راجع به سازوکار تسهیم منافع و انتقال فناوری هم محل اختلاف بود، به‌نحوی که کشورهای توسعه‌یافته مخالف این شرط بودند. این دولت‌ها بارها اعلام کرده بودند که تا زمان اصلاحات بنیادی در این شروط حاضر به پیوستن به کنوانسیون حقوق دریاهای نیستند (Harrison, 2011: 89).

۳. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ن.ک: (صالحی، ۱۳۹۸ الف: ۱۹۶).

مشترک بشریت به عنوان الگوهایی هستند که بر منابع ژنتیک دریایی نیز قابل اعمال هستند؛ اما در مقام اولویت، یکی باید بر دیگری رجحان داشته باشد. این رجحان و برتری بر اساس منطقه جغرافیایی باید در نظر گرفته شود. در عین حال که برقراری حق آزادی مطلق دولت‌ها در استخراج منابع ژنتیک دریایی منتهی به نابرابری و نادیده گرفتن منافع و نیازهای بشریت در کشورهای در حال توسعه می‌شود. حال آن‌که این وضعیت با حاکمیت اصل انصاف مذکور در ماده ۱ کنوانسیون تنوع زیستی و تسهیم برابر از منافع بهره‌برداری از منابع ژنتیک مذکور در ماده ۱۰ پروتکل ناگویا، در تضاد است. تصریح شرایط حقوقی منطقه در کنوانسیون حقوق دریاها در قاعده‌مند شدن فعالیت‌ها در منطقه مؤثر است، ولو اینکه فعالیت‌ها در منطقه فقط محدود به استخراج منابع معدنی و معدن‌کاوی باشند. منطقه، از مناطق خارج از صلاحیت ملی است. بر این اساس منطقه بخشی از میراث مشترک بشریت تلقی شده است و معدن‌کاوی در آن نیز موضوع سازوکار تقسیم منافع است. از این رو منافع ناشی از معدن‌کاوی در منطقه میان مقام بین‌المللی بستر دریاها به نمایندگی از بشریت و پیمانکار مجری تسهیم می‌شود. مقام بین‌المللی بستر دریاها تحت مقررات مواد ۱۳۵ و (۱) ۱۵۷ کنوانسیون حقوق دریاها فعالیت‌های معدن‌کاوی در منطقه را به نمایندگی از کل بشریت مدیریت و مجوز استخراج منابع در منطقه را صادر می‌کند و بر فعالیت‌های منطبق بر آن نظارت و کنترل می‌کند.

منابع ژنتیک دریایی، از جمله منابع معدنی نیستند. مقام بین‌المللی بستر دریاها نیز تابع همین محدودیت و ملزم به قاعده‌گذاری در حوزه منابع معدنی است (Pisupati, Leary and Arico, 2008: 53). این رویکرد به این معناست که تسری قواعد قابل‌اعمال بر منابع معدنی نسبت به منابع ژنتیک دریایی امکان‌پذیر نیستند. یکی از این قواعد، تلقی میراث مشترک بشریت از منابع معدنی است که نسبت به منابع ژنتیک دریایی قابل‌اعمال نیستند. صرف‌نظر از این ممنوعیت، بر فرض که بتوان این قاعده را بر منابع ژنتیک دریایی تسری داد، کنوانسیون حقوق دریاها در رابطه با دسترسی و تسهیم منافع ناشی از منابع ژنتیک دریایی همچنان با خلأ قانونی مواجه است. منصرف

از اینکه عمده منابع ژنتیک دریایی در ستون آب یافت می‌شوند، در حالی که مقررات کنوانسیون حقوق دریاها و منابع معدنی مقرر در آن همگی مربوط به بستر و زیر بستر منطقه هستند؛ اما در هر صورت شرایط جغرافیایی مؤثر بر فعالیت‌ها در منطقه یکسان است و می‌توان از این تجربه در وضع قوانین مرتبط با استخراج منابع ژنتیک دریایی نیز استفاده کرد. این تجربیات شامل تحقیقات علمی دریایی، حفاظت از محیط‌زیست دریایی و حمایت از میراث فرهنگی زیرآب هستند. تحقیقات علمی دریایی در منطقه برای اهداف صلح‌آمیز و به نفع کل بشریت به شرط انطباق با مقررات کنوانسیون حقوق دریاها فقط محدود به منابع زنده یا معدنی نیستند و می‌توانند حتی منابع ژنتیک دریایی را نیز در برگیرد. از این رو برتری رژیم میراث مشترک بشریت برای اعمال بر منابع ژنتیک دریایی واقع در منطقه نسبت به رژیم آزادی دریاها آزاد محفوظ است. البته این رویکرد به معنای نادیده گرفتن حقوق مکتسب دولت‌های ساحلی نیست.

دولت‌های عضو کنوانسیون تنوع زیستی باید با رعایت حقوق و تعهدات دولت‌ها در کنوانسیون حقوق دریاها به اجرای مقررات کنوانسیون تنوع زیستی راجع به زیست محیط دریایی مناطق تحت صلاحیت یا حاکمه پردازند؛ بنابراین دسترسی به منابع ژنتیک برای دولت ساحلی و حسب قوانین متبوع وی در این مناطق همچنان محفوظ است. سابق بر این، پروژه‌های تحقیقاتی اکتشاف زیستی با قابلیت تجاری‌سازی از جمله نگرانی‌هایی بود که دولت ساحلی می‌توانست اجازه فعالیت دیگر دولت‌ها را در این مناطق صادر نکند، زیرا استخراج و بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی مشمول قواعد خاص و تسهیم دولت ساحلی در عواید ناشی از آن بر اساس قوانین داخلی است. قانون‌گذاری احتمالی در رابطه اکتشاف زیستی از منظر کشورهای صنعتی، مانع از تحقیقات علمی و آزادی دریانوردی است (De La Fayette, 2009: 261). این وجه تمایز استخراج منابع زنده یا غیرزنده با استخراج منابع ژنتیک دریایی است که نباید با یکدیگر خلط شوند. اگرچه دولت‌های توسعه‌یافته برای بهره‌برداری از منابع زنده یا غیرزنده دریاها آزاد دارای آزادی عمل هستند، لیکن این آزادی عمل مبنایی برای امتیاز مشابه نسبت به بهره‌برداری آزادانه از منابع ژنتیک دریایی نیست. برای رفع این

نگرانی ابتدا در کنوانسیون تنوع زیستی به امکان بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی در مناطق دریایی تحت صلاحیت و حاکمه دول ساحلی اشاره شد. لیکن در کنوانسیون تنوع زیستی از تسهیم عادلانه و منصفانه منافع حاصل از کارکردهای تجاری یا دیگر بهره‌برداری‌های منابع ژنتیک خبری نبود تا اینکه رهنمود بُن در ششمین کنفرانس دولت‌های عضو کنوانسیون تنوع زیستی راجع به دسترسی به منابع ژنتیک و تسهیم عادلانه و منصفانه عواید ناشی از بهره‌برداری از آن^۱ به تصویب رسید.

سازوکار تسهیم منافع با در نظر گرفتن مقررات ماده ۱۵ کنوانسیون تنوع زیستی در رهنمود بُن تشریح شد. لیکن این مقدار به لحاظ اختیاری بودن مفاد رهنمود بُن برای دولت‌های عضو کنوانسیون تنوع زیستی کافی نبود. از این‌رو زمینه تصویب پروتکل ناگویا برای اجرای مقررات ماده ۱۵ کنوانسیون تنوع زیستی فراهم شد. سابق بر این، دولت‌های عضو در ماده ۱۵ کنوانسیون تنوع زیستی مکلف به تسهیل زمینه دسترسی به منابع ژنتیک برای استفاده سایر کشورهای عضو و رفع محدودیت‌های متضاد با اهداف این کنوانسیون شده بودند، مشروط به اینکه طرف مقابل هم برای کشور تأمین‌کننده منابع ژنتیک، سهم برابر از نتایج پژوهش، توسعه و مزایای حاصل از کاربرد تجاری و سایر استفاده‌های منابع ژنتیک را در نظر بگیرد. با وجود این مزایا، هیچ سازوکاری برای آن پیش‌بینی نشده بود. صرف‌نظر از اینکه مقررات کنوانسیون تنوع زیستی تنها نسبت به حجم کمی از منابع ژنتیک تحت کنترل و صلاحیت دولت‌ها تسری دارد و منابع ژنتیک دریایی واقع در منطقه یا دریاهای آزاد را پوشش نمی‌دهد. هرچند که دولت‌های عضو بر اساس مقررات کنوانسیون تنوع زیستی مکلف به همکاری با یکدیگر یا با سازمان‌های بین‌المللی ذی‌صلاح راجع به حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی مناطق خارج از حوزه قانونی خود هستند. منطقه و دریاهای آزاد، از مناطق خارج از صلاحیت ملی و قوانین داخلی دولت‌ها هستند. تمام دولت‌ها اعم از ساحلی و غیر ساحلی حق آزادی دریانوردی و بهره‌برداری از منابع زنده و غیرزنده آن را دارند؛ اما

1. Bonn Guidelines on Access to Genetic Resources and Fair and Equitable Sharing of Benefits Arising out of their Utilization, 2002.

این آزادی عمل نسبت به منابع ژنتیک دریایی در این مناطق به لحاظ عدم تصریح در کنوانسیون حقوق دریاها، کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ناگوبا همچنان محل اختلاف و تفسیر به نفع تفسیرکننده است و باید برای آن چاره‌اندیشی شود.

دولت‌ها در دریاهای آزاد تابع مقررات کنوانسیون حقوق دریاها و دیگر مقررات حقوق بین‌الملل دریاها هستند. تملیق مقررات ماده (۱) ۸۷ کنوانسیون حقوق دریاها با ماده ۵ کنوانسیون تنوع زیستی نشان می‌دهد که دولت‌های عضو نسبت به منابع ژنتیک دریاهای آزاد فقط حق همکاری برای حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی آن را دارند. لذا تأکید بر همکاری دول در این ارتباط، حاکی از استفاده قاعده‌مند از منابع ژنتیک دریایی است. مقررات کنوانسیون تنوع زیستی راجع به بهره‌برداری و تسهیم منافع منابع ژنتیک فقط منحصر به منابع مناطق تحت صلاحیت قانونی است. از این‌رو مقررات کنوانسیون تنوع زیستی شامل بهره‌برداری و تسهیم منافع منابع استخراج شده از مناطق فراتر از صلاحیت ملی نمی‌شود. کما اینکه کارکرد کنوانسیون تنوع زیستی محدود به اجزاء تنوع زیستی در مناطق تحت صلاحیت ملی است، لیکن در ارتباط با فرآوری یا فعالیت‌های مرتبط با تنوع زیستی تحت صلاحیت یا کنترل دولت‌ها، فرقی ندارد که تحت صلاحیت یا خارج از صلاحیت آن‌ها باشد (Warner, 2015: 757)؛ اما این وضعیت در ارتباط با بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی واقع در منطقه و دریاهای آزاد به دلیل خروج از صلاحیت دولت‌ها و ممنوعیت اعمال قوانین داخلی آن‌ها، نه تنها از شمول مقررات کنوانسیون تنوع زیستی مستثنا است، بلکه فقط محدود به لزوم همکاری دولت‌ها برای فراهم شدن شرایط استفاده پایدار بر اساس دیگر قوانین بین‌المللی است. از این‌رو استخراج منابع دریاهای آزاد تنها با اتکا به کنوانسیون حقوق دریاها میسر است، درحالی‌که مقررات کنوانسیون حقوق دریاها نیز در رابطه با منابع ژنتیک دریا ساکت است. هرچند از حیث نظری امکان تسری مقررات کنوانسیون تنوع زیستی در مناطق دریایی خارج از صلاحیت ملی دولت‌ها وجود دارد، اما این رویکرد منوط به شناخت الگوی کنوانسیون تنوع زیستی در بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی و بررسی امکان تملیق آن با اصول و قواعد مقرر در کنوانسیون حقوق دریاها است تا زمینه تبعیت

از مقررات کنوانسیون تنوع زیستی در موافقت‌نامه اجرایی جدید پیشنهادی از سوی کارگروه تنوع زیستی مناطق خارج از صلاحیت ملی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد با رعایت اصول و قواعد کنوانسیون حقوق دریاها و دیگر سازوکارهای مرتبط فراهم شود.

۳. کنوانسیون تنوع زیستی و امکان تلفیق الگوی آن با اصل میراث مشترک بشریت

کنوانسیون تنوع زیستی برخلاف کنوانسیون حقوق دریاها به صراحت به منابع ژنتیک مناطق دریایی پرداخته است، لیکن آن را به مناطق تحت صلاحیت دولت ساحلی محدود کرده است. مواد ژنتیک مصرح در کنوانسیون تنوع زیستی شامل هر نوع ماده دارای منشأ گیاهی، حیوانی، میکروبی یا غیر آن است که دارای واحدهایی با کارکرد توارثی هستند. منابع بیولوژیک تا قبل از اجرای کنوانسیون تنوع زیستی به عنوان بخشی از میراث مشترک بشریت در مناطق تحت حاکمیت ملی شناخته می‌شدند (Smagadi, 2006: 251)؛ اما کنوانسیون تنوع زیستی، حاکمیت دولت‌ها را بر منابع ژنتیک در قلمرو داخلی و حق استخراج آن‌ها را به رسمیت شناخته است، مشروط به اینکه فعالیت‌های تحت صلاحیت آن‌ها در این حوزه بر اساس ماده ۳ کنوانسیون تنوع زیستی منجر به ایراد صدمه زیست‌محیطی به قلمرو دیگر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت ملی آن‌ها نشود. اصل حاکمیت دولت‌ها، از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است (شهبازی و برلیان، ۱۳۹۷: ۳۲) که در حوزه منابع ژنتیک دریایی نیز کاربرد دارد. بر این اساس دولت‌های ساحلی می‌توانند حقوق حاکمه خود را نسبت به منابع ژنتیک در مناطق دریایی تحت صلاحیت و حاکمه مطابق مقررات کنوانسیون حقوق دریاها، کنوانسیون تنوع زیستی و قوانین داخلی مرتبط اعمال کنند؛ بنابراین تعهدات ناشی از کنوانسیون تنوع زیستی در مناطق دریایی تحت صلاحیت وجود دارند تا حدودی که با حقوق و تعهدات ناشی از کنوانسیون حقوق دریاها در همین مناطق یا دیگر مناطق در تعارض نباشند. لیکن عمده حجم تنوع زیستی ارزشمند دریاها و منابع ژنتیک آن‌ها در مناطق تحت صلاحیت و حاکمه زندگی نمی‌کنند، بلکه در منطقه و دریا‌های آزاد

مستقر هستند. این در حالی است که مقررات کنوانسیون تنوع زیستی شامل بهره‌برداری از تنوع زیستی دریاهای آزاد نیست. در عین حال که مقررات کنوانسیون تنوع زیستی نسبت به مناطق خارج از صلاحیت ملی دولت ساحلی و تنوع زیستی آن به اجرا گذاشته نمی‌شوند. منطقه و دریاهای آزاد بخشی از مناطق خارج از صلاحیت ملی هستند. هیچ دولتی به استناد مقررات کنوانسیون حقوق دریاها، حق اعمال حاکمیت در مناطق خارج از صلاحیت ملی ندارد. دولت‌های ساحلی در این مناطق فاقد صلاحیت ملی هستند و به طریق اولی مجوز به کارگیری مقررات کنوانسیون تنوع زیستی در این مناطق را ندارند. اگرچه دولت‌های صاحب پرچم به اعتقاد برخی در این مناطق دارای مسئولیت اعمال صلاحیت و کنترل عملکرد کشتی‌های حامل پرچم هستند (صالحی، ۱۳۹۸ ب: ۲۵۳)، لیکن این به معنای حق بهره‌برداری از منابع ژنتیک در این مناطق به استناد داشتن صلاحیت بر امور کشتی حامل پرچم در این مناطق یا تلقی دریاهای آزاد به عنوان بخشی از قلمرو سرزمینی نیست. بلکه برعکس، اعمال صلاحیت دولت صاحب پرچم در این مناطق فقط از باب ایجاد تعهد برای وی نسبت به کنترل عملکرد کشتی حامل پرچم است تا از مقررات کنوانسیون حقوق دریاها در حفاظت از زیست محیط دریاهای تخطی نکند.

اما منطقه و دریاهای آزاد، از مناطق تحت صلاحیت دول ساحلی یا صاحب پرچم نیستند. از این حیث مقررات کنوانسیون تنوع زیستی نسبت به منابع ژنتیک این مناطق کارایی ندارند و هر یک از دولت‌های ساحلی نمی‌توانند به مقررات کنوانسیون تنوع زیستی استناد کنند و یا الزام دیگر دولت‌ها را به رعایت مفاد آن تقاضا کنند. تحت این شرایط، اکتشاف زیستی منابع ژنتیک دریایی دارای ارزش تجاری واقع در منطقه برای کسب سود فوری تحت مدیریت مقام بین‌المللی بستر دریاها نیز به طریق اولی با ابهام جدی مواجه است. فعالیت‌های دریایی در منطقه بر اساس مقررات کنوانسیون حقوق دریاها و شامل تمام فعالیت‌های مربوط به اکتشاف و استخراج منابع معدنی مستقر در منطقه هستند. لیکن این منابع شامل منابع معدنی جامد، مایع یا گازی در منطقه مانند کلوخه‌های چندفلزی هستند. چشم‌انداز معدن‌کاوی در منطقه نامشخص است. لذا

گستره این منابع شامل منابع ژنتیک دریایی نیست. لیکن شرایط حقوقی حاکم بر منطقه تحت عنوان اصل میراث مشترک بشریت ممکن است بر رژیم حقوقی امور و فعالیت‌هایی به جز مواد معدنی و فعالیت‌های معدن‌کاوی نیز تأثیرگذار باشد. اصل میراث مشترک بشریت حاکم بر فعالیت‌های دول متقاضی در منطقه از مفاهیمی است که نزدیک‌ترین وجه اشتراک با تسهیم منافع ناشی از بهره‌برداری از منابع را دارد، به این نحو که در پروتکل الحاقی ناگویا به کنوانسیون تنوع زیستی مقرر شده است. صرف‌نظر از اینکه مقام بین‌المللی بستر دریاها به اعتقاد برخی واجد صلاحیت سایر موضوعات و امور بی‌ارتباط با فعالیت‌های معدن‌کاوی از جمله حمایت از میراث فرهنگی زیرآب، حمایت از زیست محیط دریایی، جلوگیری از انباشت و انتشار دی‌اکسید کربن و تحقیقات علمی دریایی نیز است (Oude Elferink, 2007: 143). کما اینکه مقام بین‌المللی بستر دریاها نیز بیش از ۲۲ سال است که مقررات عدیده‌ای راجع به معدن‌کاوی بستر اعماق دریاها وضع کرده است. این قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های اکتشاف و استخراج منابع در مجموعه کد معدن‌کاوی جمع‌آوری شده‌اند و گسترش آن‌ها همچنان ادامه دارد.

مقام بین‌المللی بستر دریاها در زمان صدور مجوز معدن‌کاوی دستورالعمل‌های لازم برای حمایت از محیط‌زیست را ضمیمه آن می‌کند تا به این طریق از آثار مخرب ناشی از فعالیت‌های معدن‌کاوی دول متقاضی در جغرافیای منطقه جلوگیری کند. این اقدام مقام بین‌المللی بستر دریاها با اصل کلی تحقیقات علمی دریایی در منطقه منطبق است که با مقررات قسمت ۱۳ کنوانسیون حقوق دریاها با اهداف صلح‌آمیز و به نفع کل بشریت توأم شده است. در عین حال که بخشی از این الزام می‌تواند شامل مطالعات لازم در ارتباط با زیستگاه‌های دریایی منابع ژنتیک واقع در منطقه و تأثیر و تأثر آن‌ها در زمان استخراج منابع معدنی باشد که تمام آن‌ها ذیل مسئولیت مقام بین‌المللی بستر دریاها قرار گرفته است. کما اینکه ارتباط واقعی میان تحقیقات علمی دریایی و اکتشاف زیستی وجود دارد، به نحوی که نمی‌توان خط ممیز میان یک فعالیت از دیگر فعالیت‌ها و اهداف هر یک از آن‌ها قرار داد. فعالیت معدن‌کاوی از فعالیت‌های با قدرت تخریب

بالا است که بر ساختار و ترکیب زیستگاه‌های زیردریایی منابع ژنتیک دریایی تأثیر منفی می‌گذارد. علاوه بر این، تحقیقات علمی دریایی با هدف گسترش دانش بشری صورت می‌گیرد و ممکن است نتایج آن منجر به کشف اطلاعات ارزشمند با قابلیت تجاری‌سازی نیز شود. این وضعیت بخشی از همان تسهیم منافع ناشی از بهره‌برداری از منابع است که می‌تواند شامل منابع ژنتیک دریایی مستقر در منطقه نیز باشد. اصل تسهیم منصفانه و عادلانه منافع ناشی از بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی مذکور در کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل الحاقی آن، الگویی است که بیشترین همخوانی با اصل میراث مشترک بشریت را دارد که از سازوکارهای مقام بین‌المللی بستر دریاها در ارتباط با منابع منطقه است. از این رو به نظر می‌رسد نباید هیچ محدودیتی راجع به تحقیقات علمی دریایی در منطقه و امکان تسری آن به منابع ژنتیک دریایی وجود داشته باشد. تحقیقات علمی دریایی در منطقه راجع به منابع ژنتیک دریایی از مسائلی است که زمینه‌ساز شناخت، جلوگیری از آسیب به زیستگاه‌های آنان در هنگام استخراج منابع معدنی و حتی بهره‌برداری حداکثری از منابع ژنتیک دریایی مستقر در منطقه می‌شود.

در عین حال که تسری اصل میراث مشترک بشریت نسبت به منابع ژنتیک دریایی مستقر در منطقه و قرار دادن مسئولیت نظارت و کنترل فعالیت دولت‌های متقاضی در این ارتباط بر عهده مقام بین‌المللی بستر دریاها با مانع جدی مواجه نیست. لذا دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق دریاها می‌توانند تحقیقات علمی دریایی را در ارتباط با منابع معدنی یا منابع ژنتیک دریایی مستقر در منطقه انجام دهند و به این منظور با یکدیگر یا با مقام بین‌المللی بستر دریاها نیز همکاری و مشارکت کنند و در نهایت نتایج تحقیقات را از طریق مقام بین‌المللی بستر دریاها یا سایر مراکز بین‌المللی فعال در این زمینه منتشر کنند. مقام بین‌المللی بستر دریاها نیز مکلف است که تحقیقات علمی دریایی در این ارتباط را ترویج و توسعه دهد و موانع آن را مرتفع سازد. بر این اساس امکان استفاده از تجربه و دستاوردهای کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ناگویا در ارتباط با منابع ژنتیک دریایی مستقر در منطقه وجود دارد. بر این اساس شناخت منابع ژنتیک دریایی و نحوه بهره‌برداری از آن‌ها در منطقه را از الگوی مقرر در کنوانسیون

تنوع زیستی، تسهیم منافع ناشی از بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی مستقر در منطقه را از الگویی مقرر در پروتکل ناگویا و اصل میراث مشترک بشریت را از الگوی مذکور در کنوانسیون حقوق دریاها را به فعالیت‌های دولت‌ها در منطقه تعمیم و تسری داد، هرچند که این فعالیت‌ها راجع به بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی مستقر در منطقه در ارتباط با منابع معدنی باشد یا نباشد؛ اما قابلیت تسری اصل میراث مشترک بشریت یا اصل آزادی دریاها در ارتباط با منابع ژنتیک دریایی واقع در دریاهای آزاد همچنان مسئله‌ای است که نیازمند بررسی و تحلیل است.

۴. قابلیت تسری اصل آزادی دسترسی به منابع ژنتیک دریاهای آزاد

رژیم حقوقی قابل اجرا در دریاهای آزاد در کنوانسیون حقوق دریاها بنیان نهاده شده است، در حالی که منابع ژنتیک دریایی را در بر نمی‌گیرد (Bird, 2018: 415). سکوت کنوانسیون حقوق دریاها در این رابطه نه تنها به معنای خلأ قانون‌گذاری است، بلکه منجر به نامتوازن شدن وضعیت دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی دریاهای آزاد شده است. جلب منافع برخی دولت‌ها از طریق دسترسی به منابع ژنتیک دریایی منتهی به عدم امکان بهره‌برداری از این منابع ژنتیک دریایی توسط دیگر دولت‌ها در دریاهای آزاد شده است. معهود کشورهای توسعه‌یافته بخش زیادی از منابع ژنتیک دریایی شناور در دریاهای آزاد را به خود اختصاص داده‌اند و از منافع تجاری آن به نفع خود بهره‌برداری می‌کنند. این وضعیت حاکی از فقدان الزام حقوقی بر تسهیم منافع ناشی از استخراج منابع ژنتیک دریایی است (Vierros and et al, 2016: 31) که در دریاهای آزاد شناور هستند. این وضعیت با اصل آزادی دریاهای آزاد و دسترسی آزادانه به منابع آن در ارتباط مستقیم است. لیکن این آزادی نسبت به منابع ژنتیک دریایی در کنوانسیون حقوق دریاها مسکوت است. شرایط حاکم بر زمان تصویب کنوانسیون حقوق دریاها قابل درک است. در زمان تصویب کنوانسیون حقوق دریاها، ساخت کمی نسبت به خصوصیات ژنتیک ارگانسیم‌های شناور در منطقه یا دریاهای آزاد وجود داشت. از این رو راجع به ارزش بالقوه منابع

ژنتیک دریایی در زمان مذاکرات پیش‌نویس کنوانسیون حقوق دریاها، هیچ واکنشی از سوی دولت‌ها صورت نگرفت؛ اما بی‌تردید فقدان قانون‌گذاری از سوی دولت‌های تنظیم‌کننده پیش‌نویس کنوانسیون حقوق دریاها در این حوزه و در زمان خود تعمدی نبوده است. آن‌ها برای وضع هر نوع محدودیت در این زمینه آزادی عمل داشتند، زیرا دلیلی وجود نداشته است که آن‌ها به منابع ژنتیک دریایی واقف باشند و از پیش‌بینی وضعیت حقوقی آن در کنوانسیون حقوق دریاها خودداری کنند.

با این حال، می‌توان بهره‌برداری از منابع ژنتیک شناور در دریاهای آزاد را با اصل آزادی دسترسی به منابع پیش‌بینی شده در کنوانسیون حقوق دریاها نسبت به شیلات دریاهای آزاد نیز قاعده‌مند کرد. برخی از این نظریه حمایت می‌کنند. از منظر آن‌ها، اگر جنبه جغرافیایی منابع ژنتیک دریایی در مناطق خارج از صلاحیت ملی در نظر گرفته شود، یک فرضیه آن است که رژیم آزادی دریاهای آزاد نسبت به منابع ژنتیک دریایی غوطه‌ور در آب‌های خارج از صلاحیت ملی حاکم باشد (Broggiato and et al, 2014: 179). با وجود این، در این نظریه راجع به مهاجرت‌پذیری برخی از منابع ژنتیک دریایی تصمیم‌گیری نمی‌شود، مبنی بر اینکه منابع ژنتیک دریایی در حال حرکت مشمول کدام رژیم قرار می‌گیرند. یا اینکه برخی از نمونه‌های مهاجرت‌پذیر منابع ژنتیک دریایی که از مناطق خارج از صلاحیت دولت‌ها به مناطق تحت صلاحیت دولت یا بالعکس در حرکت هستند، تابع کدام رژیم تحت صلاحیت یا خارج از صلاحیت دولت ساحلی تلقی می‌شوند. برای احتراز از این عواقب، پیشنهاد شده است رژیم واحد برای منابع ژنتیک دریایی مناطق خارج از صلاحیت دولت‌ها در نظر گرفته شود. پیشنهاددهندگان استدلال کرده‌اند با توجه به اینکه اکثر منابع ژنتیک دریایی در میانه آب‌های آزاد شناور هستند، بهتر است که رژیم آزادی دریاهای آزاد بر آن‌ها نیز حاکم باشد (Drankier and et al, 2012: 407). لیکن مسئله تسهیم منافع، تمام این موضع‌گیری‌ها را برهم زده است، زیرا اصل تسهیم منافع با رژیم آزادی دریاهای آزاد هم‌خوانی ندارد. اگر به دسترسی آزادانه برای همه دولت‌ها قائل باشیم، هم توقع تسهیم منافع ناشی از استخراج منابع ژنتیک دریایی بی‌معنا است و هم توازن

میان دولت‌های توسعه‌یافته و در حال توسعه برای استخراج منابع ژنتیک دریاهای آزاد برهم می‌خورد. از این رو رژیم میراث مشترک بشریت حتی نسبت به منابع ژنتیک دریاهای آزاد ارجح به نظر می‌رسد. کما اینکه بر این اساس، برابری میان دولت‌های توسعه‌یافته و در حال توسعه محفوظ است. اگر دولت‌های توسعه‌یافته امکان بیشتری برای استخراج منابع ژنتیک دریایی در اختیار دارند، لیکن تسهیم بیشتری از این طریق به دولت‌های در حال توسعه و فراهم شدن فناوری استخراج منابع مذکور برای آن‌ها این توازن را متعادل نگه می‌دارد.

اما از این رویکرد در میان دولت‌های توسعه‌یافته استقبال زیادی نمی‌شود. دولت‌های در حال توسعه قائل به تسری رژیم میراث مشترک بشریت به منابع ژنتیک دریایی هستند، لیکن دولت‌های توسعه‌یافته قائل به محدودیت این رژیم به منابع معدنی هستند. رویکرد متفاوت آن‌ها ناشی از فناوری در اختیار برای اکتشاف و استخراج منابع ژنتیک دریایی است (Germani and Salpin, 2011: 194). دولت‌های در حال توسعه که به تکنولوژی لازم اکتشاف و استخراج منابع ژنتیک دریایی دسترسی ندارند، خواهان تسهیم منافع ناشی از استخراج منابع ژنتیک دریاهای آزاد نیز هستند تا از این طریق هم ضعف آن‌ها در عدم دسترسی به این منابع جبران شود و هم از قیل توانمندی دولت‌های توسعه‌یافته در استخراج این منابع سهمی هم از منابع دریاهای آزاد برای توسعه و توانمند شدن آن‌ها کنار گذاشته شود. لیکن دولت‌های توسعه‌یافته که به تکنولوژی لازم و توانایی اقتصادی برای اکتشاف و استخراج این منابع در دریاهای آزاد دسترسی دارند، خواهان تسهیم منافع ناشی از منابع ژنتیک دریاهای آزاد با دیگر دولت‌ها نیستند. دولت‌های توسعه‌یافته معتقدند که توانایی فناوری و اقتصادی مزیتی است که باعث شده آن‌ها در این مسیر پیشگام باشند. توانمندی دولت‌های توسعه‌یافته، بهای پیشگام بودن آن‌ها در این مسیر است. آن‌ها در استخراج منابع ژنتیک دریایی چیزی بدهکار جامعه بشری نیستند تا بخواهند از طریق تسهیم منافع ناشی از استخراج منابع ژنتیک دریاهای آزاد، بخشی از این دین را بپردازند. لذا از منظر دولت‌های توسعه‌یافته و تحت این شرایط رژیم آزادی دریاهای آزاد بر منابع ژنتیک

دریایی نیز قابل تسری است. دولت‌های توسعه‌یافته معتقدند که هزینه‌های تحقیقات و توسعه منابع ژنتیک دریاهای آزاد بسیار سنگین و زمان‌بر است، در حالی که احتمال موفقیت هم قابل پیش‌بینی و تضمین از پیش نیست. لیکن اگر موفقیتی حاصل شود، کل بشریت هم از دستاوردهای آن در بخش سلامت عمومی، امنیت غذایی و حمایت از محیط‌زیست برخوردار می‌شود. از این حیث دولت‌هایی مانند ایالات متحده، ژاپن و کانادا (Morgera, 2015: 1) قائل به کفایت سازوکار موجود یعنی آزادی دریاهای آزاد و تسری آن به منابع ژنتیک کلیه مناطق دریایی خارج از صلاحیت ملی دولت‌ها هستند که شامل منطقه و دریاهای آزاد می‌شود.

تفکیک بر اساس موقعیت جغرافیایی، نقطه تعادل موضع‌گیری دو طرف یعنی دول توسعه‌یافته و دول در حال توسعه در ارتباط با منابع ژنتیک دریایی است؛ به این معنا که منابع ژنتیک دریایی شناور در منطقه ذیل قواعد حاکم بر منطقه قرار گیرد که دلایل، امتیازات و تبعات آن در قسمت قبل تشریح شد و منابع ژنتیک دریاهای آزاد ذیل اصل آزادی دسترسی قرار گیرد، به همان نحو که در ارتباط با شیلات این وضعیت حادث است. در این شرایط، امتیازات و تعهدات طرفین متوازن است. دولت‌های توسعه‌یافته به همان میزان که در ارتباط با شیلات دریاهای آزاد دارای تعهد و مسئولیت‌های بین‌المللی هستند، در ارتباط با منابع ژنتیک دریاهای آزاد نیز متعهد و مسئول هستند. کنوانسیون حقوق دریاها به‌طور کلی، به توسعه و انتقال فن‌آوری دریایی اشاره دارد. بر این اساس از دولت‌های عضو خواسته شده است که همکاری‌های لازم را برای توسعه و انتقال فن‌آوری علوم دریایی با شرایط معقول و عادلانه را به عمل آورند، نه اینکه آن‌ها را تا ابد برای خود مزیتی تلقی کنند که بتوانند از منابع دریاهای آزاد که متعلق به همه دولت‌ها است، به نفع خود و به رایگان بهره‌برداری کنند. دولت‌های توسعه‌یافته باید با نظر مثبت به تسریع توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه برای اکتشاف، بهره‌برداری، حفاظت و مدیریت منابع دریایی، حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریا، تحقیقات علمی دریایی و سایر فعالیت‌های مجاز در زیست محیط دریاها کمک کنند. کما اینکه در کنوانسیون تنوع زیستی نیز الزام‌های مشابهی برای

دولت‌های توسعه‌یافته در قبال کشورهای در حال توسعه نیز وجود دارد. مؤید این تفسیر آن است که به اعتقاد برخی، تمام دولت‌ها و سازمان‌های ذی‌صلاح بین‌المللی صرف‌نظر از موقعیت جغرافیایی خود حق انجام تحقیقات علمی دریایی و به تبع آن شناسایی و بهره‌برداری از عایدات آن (Salpin and Germani, 2007: 10) را برای ترویج همکاری‌های بین‌المللی در اختیار دارند. هرچند که دولت‌های توسعه‌یافته با اشاره به تحقیقات علمی دریایی مصادره به مطلوب می‌کنند. حال آن‌که مقدمه و نتیجه کنوانسیون حقوق دریاها، از اشاره به تحقیقات علمی دریایی روشن است. از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی ذی‌صلاح خواسته شده است تا همکاری‌های بین‌المللی در تحقیقات علمی دریایی را برای اهداف صلح‌آمیز با احترام به حاکمیت و صلاحیت دیگر دولت‌ها و بر اساس منافع متقابل ترویج دهند. از این رو کشورها و سازمان‌های بین‌المللی ذی‌صلاح از طریق انعقاد قراردادهای دو یا چندجانبه باید شرایط مطلوب تحقیقات علمی دریایی را ایجاد کنند تا سپس دانش حاصل از تحقیقات علمی دریایی در دسترس عموم قرار گیرد. این وضعیت در ارتباط با تحقیقات علمی دریایی در زمینه منابع ژنتیک دریایی شناور در دریاهای آزاد به عنوان مقدمه بهره‌برداری از آن‌ها ذیل اصل آزادی دریاهای آزاد نیز صادق است.

نتیجه‌گیری

ایجاد نظم حقوقی عادلانه، برابر و دارای مقبولیت جهانی در حوزه حقوق دریاها و کاستن از تنش‌های بین‌المللی و گسترش صلح و امنیت در بهره‌برداری از منابع زنده و غیرزنده آن از اهداف کنوانسیون حقوق دریاها است. هرچند که این موضع در ارتباط با منابع ژنتیک دریایی واقع در منطقه و دریاهای آزاد با شائبه‌هایی توأم شده است که باب بهره‌برداری خارج از قاعده دولت‌های پیشرفته از منابع ژنتیک دریایی را گشوده است، با این تصور که بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی به نحو اطلاق ذیل اصل آزادی دریاهای آزاد است، ولو اینکه منابع ژنتیک دریایی در منطقه واقع شده باشند. در حالی که این نظریه صحیح نیست. هرچند که کنوانسیون حقوق دریاها، واجد مقررات خاص

بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی نیست، لیکن کلیت مقررات کنوانسیون حقوق دریاها درصدد برقراری نظم اقتصادی عادلانه و منصفانه برای تأمین منافع و نیازهای کل بشریت از دریاها و منابع آن است. کما اینکه بخش انتهایی مقدمه کنوانسیون حقوق دریاها نیز تصریح دارد که موضوعات اشاره نشده در این کنوانسیون تابع قواعد و اصول حقوق بین‌الملل عمومی است. بخشی از این قواعد و اصول حقوق بین‌الملل عمومی در آموزه‌های حقوق بین‌الملل دریاها است که در حوزه بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی محدود به دو اصل میراث مشترک بشریت و اصل آزادی دریاها است. لذا تسری این قواعد و اصول حقوق بین‌الملل دریاها شامل استخراج منابع ژنتیک دریایی اعم از منابع ژنتیک مستقر در منطقه یا دریاهای آزاد نیز است. با وجود این، اختلاف تنها بر سر این مطلب است که بهره‌برداری از این منابع ذیل کدام یک از این دو اصل قرار گیرد. در مقام پاسخ به نظر می‌رسد که از حیث منطقی باید قائل به تفکیک باشیم تا امکان بهره‌گیری از هر دو اصل میراث مشترک بشریت و اصل آزادی دریاها مقرر در کنوانسیون حقوق دریاها در ارتباط با بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریاها با اتکا به تجربه و دستاوردهای کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ناگویا فراهم شود. هرچند که این موضع‌گیری نیز نیازمند تصویب در قالب موافقت‌نامه اجرایی مجمع عمومی سازمان ملل متحد و عضویت دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق دریاها در آن است.

بر این اساس، منابع ژنتیک دریایی بخشی از میراث مشترک بشریت هستند، وقتی که در منطقه واقع شده‌اند. منابع ژنتیک واقع در منطقه، تحت نظارت مقام بین‌المللی بستر دریاها هستند و از این طریق از انحصار دولت‌ها در بهره‌برداری از این منابع در منطقه خارج هستند، مگر اینکه قراردادهای لازم با مقام بین‌المللی بستر دریاها تنظیم و تبعیت از مقررات و شرایط آن از سوی دولت‌های متقاضی بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی واقع در منطقه لحاظ شود. این رویکرد نه تنها از بهره‌برداری خارج از قاعده دولت‌های پیشرفته جلوگیری می‌کند، بلکه باعث می‌شود تا ترویج تحقیقات علمی دریایی و حفاظت از زیست محیط دریایی منطقه که ذیل مسئولیت‌های مقام بین‌المللی بستر دریاها هستند، نیز شامل منابع ژنتیک دریایی باشند. در این شرایط مقام

بین‌المللی بستر دریاها می‌تواند اصول پیش‌بینی شده در کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ناگویا را برای ایجاد سازوکارهای اطمینان‌بخش محافظت و تسهیم منافع ناشی از بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی در مناطق خارج از صلاحیت ملی را به منابع ژنتیک دریایی واقع در منطقه تعمیم دهد.

این وضعیت در ارتباط با منابع ژنتیک واقع در دریاهای آزاد به نحو دیگری است. اصل آزادی دریاهای آزاد که شامل کشتی‌رانی و بهره‌برداری از شیلات آن است، با در نظر گرفتن تجربه و دستاوردهای ناشی از اجرای کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ناگویا نیز شامل منابع ژنتیک دریایی است. با این تفاوت که تسهیم منافع ناشی از بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی در اینجا متصور نیست. منابع ژنتیک واقع در دریاهای آزاد نیز تحت رژیم آزادی دریاهای آزاد هستند و کلیه عایدات آن‌ها هر آنچه باشد، متعلق به دولتی است که به اکتشاف، استخراج، بهره‌برداری از آن پرداخته است. دولت‌های توسعه‌یافته همان‌طور که به بهره‌برداری آزادانه از منابع شیلات دریاهای آزاد حسب مقررات کنوانسیون حقوق دریاها می‌پردازند، حق بهره‌برداری از منابع ژنتیک واقع در دریاهای آزاد را نیز تحت شرایط کنوانسیون حقوق دریاها و دستاوردهای کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ناگویا را دارند، مشروط به اینکه این موضع هم در موافقت‌نامه اجرایی جدید مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیش‌بینی شود. مؤید این نظریه، وضعیت موجود و قواعد و اصول پیش‌بینی شده در کنوانسیون حقوق دریاها در ارتباط با منابع معدنی و شیلات است. منابع معدنی که عمدتاً در منطقه واقع شده‌اند، ذیل اصل آزادی دریاهای آزاد نیستند. به همین نحو شیلات که عمدتاً در دریاهای آزاد هستند، ذیل اصل میراث مشترک بشریت نیستند. از این حیث، آزادی بهره‌برداری از شیلات دریاهای آزاد به منابع معدنی واقع در منطقه تسری داده نشده‌اند، به همین منوال رژیم میراث مشترک بشریت حاکم بر منابع معدنی به شیلات واقع در دریاهای آزاد تسری داده نشده‌اند. از این رو تسری الگوی رژیم میراث مشترک بشریت یا آزادی دریاهای آزاد نسبت به منابع ژنتیک دریایی با توجه به محل استقرار منابع ژنتیک دریایی و بهره‌برداری از آن حسب مورد با دو وضعیت فعلی نسبت به منابع معدنی تحت

نظارت مقام بین‌المللی بستر دریاها و منابع شیلات تحت قواعد کنوانسیون حقوق دریاها نیز منافات ندارد و قابل جمع است. این رویکرد هم عادلانه است و هم کمترین میزان تنش با اصول و قواعد موجود در کنوانسیون حقوق دریاها، کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ناگویا را دارد که مورد تأکید مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تصویب موافقت‌نامه اجرایی جدید در بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی واقع در منطقه و دریاهای آزاد است.

منابع

الف. فارسی

جلالی، محمود، علیرضا آرش‌پور و مهسا نوابی‌فرد (۱۳۹۷) «رابطه تجارت آزاد و حفاظت از محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۲، شماره ۳، صص ۵۵-۲۷.

شهبازی، آرامش و پویا برلیان (۱۳۹۷) «نقش زیست‌فناوری در توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۸، شماره ۱، صص ۴۳-۲۳.

صالحی، جواد (۱۳۹۸ الف) «مسئولیت جبران خسارت به محیط‌زیست منطقه اعماق دریاها در حقوق بین‌الملل عرفی و رویکرد متناقض شعبه حل اختلاف بستر دریاها»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، شماره ۱، صص ۲۱۱-۱۹۵.

صالحی، جواد (۱۳۹۸ ب) «رویکرد دولت ساحلی در پرتو اصول و اسناد بین‌المللی در مواجهه با عملکرد کشتی خارجی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۲۱، ش ۶۳، صص ۲۶۷-۲۳۹.

موسوی، فضل‌اله و معصومه سادات میرمحمدی (۱۳۹۶) «نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر منابع ژنتیکی انسانی و غیرانسانی»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۴، شماره ۵۶، صص ۸۳-۵۹.

ب. انگلیسی

- Bird, John S. (2018) "Bio-piracy on the High Seas? Benefit Sharing from Marine Genetic Resource Exploitation in Areas beyond National Jurisdiction", **Natural Resources**, Vol. 9, pp. 413-428.
- Blasiak, Robert and et al (2016) "Negotiating the Use of Biodiversity in Marine Areas Beyond National Jurisdiction", **Frontiers in Marine Science**, Vol. 3, pp. 1-10.
- Broggiato, Arianna and et al (2014) "Fair and Equitable Sharing of Benefits from the Utilization of Marine Genetic Resources in Areas Beyond National Jurisdiction: Bridging the Gaps Between Science and Policy", **Marine Policy**, Vol. 49, pp. 176-185.
- De La Fayette, Louise A. (2009) "A New Regime for the Conservation and Sustainable Use of Marine Biodiversity and Genetic Resources Beyond the Limits of National Jurisdiction", **The International Journal of Marine and Coastal Law**, Vol. 24(2), pp. 221-280.
- Drankier, Petra and et al (2012) "Marine Genetic Resources in Areas Beyond National Jurisdiction: Access and Benefit Sharing", **The International Journal of Marine and Coastal Law**, Vol. 27, pp. 375-433.
- Germani, Valentina and Charlotte Salpin (2011) "The Status of High Seas Biodiversity in International Policy and Law", in: Pierre Jacquet and et al. (eds) **A Planet for Life—Oceans: The New Frontier**, Delhi: The Energy and Resources Institute Press.
- Haond, Sophie, A. Jesus Arrieta and Carlos, Duarte M. (2011) "Marine Biodiversity and Gene Patents", **Science**, Vol. 331 (6024), pp. 1521-1522.
- Harrison, James (2011) *Making the Law of the Sea, A Study in the Development of International Law*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Leary, David and et al (2009) "Marine Genetic Resources: A Review of Scientific and Commercial Interest", **Marine Policy**, Vol. 33(2), pp. 183-194.
- Morgera, Elisa (2015) "Do We Need a New Treaty to Protect Biodiversity in the Deep Seas?" IISD Policy Update No. 8.
- Morgera, Elisa, Elsa Tsioumani and Matthias Buck (2014) *Unraveling the Nagoya Protocol: A Commentary on the Nagoya Protocol on Access and Benefit-Sharing to the Convention on Biological Diversity*, Brill.

- Oude Elferink, Alex G. (2007) “The Regime of the Area: Delineating the Scope of Application of the Common Heritage Principle and Freedom of the High Seas”, **The International Journal of Marine and Coastal Law**, Vol. 22(1), pp. 143-176.
- Pisupati, Balakrishna, David Leary and Salvatore Arico (2008) Access and Benefit Sharing: Issues Related to Marine Genetic Resources, *Asian Biotechnology and Development Review*, Vol. 10(3), pp 49-68.
- Salpin, Charlotte and Valentina Germani (2007) “Patenting of Research Results Related to Genetic Resources from Areas beyond National Jurisdiction: The Crossroads of the Law of the Sea and Intellectual Property Law”, **Review of European Community and International Environmental Law**, Vol. 16(1), pp. 12–23.
- Scovazzi, Tullio (2010) “The Seabed Beyond the Limits of National Jurisdiction: General and Institutional Aspects”, in: Alex G. Oude Elferink and Erik J. Molenaar (eds.) **The International Legal Regime of Areas beyond National Jurisdiction: Current and Future Developments**, Leiden: Martinus Nijhoff, pp. 43-60.
- Sharma, Natalie Y. M (2017) “Marine Genetic Resources in Areas beyond National Jurisdiction: Issues with, in and outside of UNCLOS”, **Max Planck Yearbook of United Nations Law**, Vol. 20, pp. 71-97.
- Smagadi, Aphrogite (2006) “Analysis of the Objectives of the Convention on Biological Diversity: Their Interrelation and Implementation Guidance for Access and Benefit Sharing”, **Columbia Journal of Environmental Law**, Vol. 16, pp. 243-284.
- Tladi, Dire (2017) “Conservation and Sustainable Use of Marine Biodiversity in Areas beyond National Jurisdiction: Towards an Implementing Agreement”, in Rosemary Rayfuse (ed.) **Research Handbook of International Marine Environmental Law**, Edward Elgar.
- Vierros, Marjo and et al (2016) “Who Owns the Ocean? Policy Issues Surrounding Marine Genetic Resources”, **Limnology and Oceanography Bulletin**, Vol. 25(2): pp. 29–35.
- Warner, Robin M. (2015) “Conserving Marine Biodiversity in Areas beyond National Jurisdiction: Co-Evolution and Interaction with

the Law of the Sea”, in Donald Rothwell and et al. (eds.) **The Oxford handbook of the law of the sea**, Oxford University Press.

Documents

- United Nations (1992) Convention on Biological Diversity.
- United Nations (1994) Agreement Relating to the Implementation of Part XI of the United Nations Convention on the Law of the Sea of 10 December 1982.
- United Nations (2002) Bonn Guidelines on Access to Genetic Resources and Fair and Equitable Sharing of Benefits Arising out of their Utilization, UN Doc: UNEP/CBD/COP/6/20.
- United Nations (2005) Subsidiary Body on Scientific, Technical and Technological Advice of the CBD, Status and Trends of, and Threats to, Deep Seabed Genetic Resources beyond National Jurisdiction, and Identification of Technical Options for their Conservation and Sustainable Use, UN Doc. UNEP/CBD/SBSTTA/11/11, 22 July 2005.
- United Nations (2010) General Assembly Resolution No. 65/37 on Oceans and the Law of the Sea.
- United Nations (2010) Protocol on Access to Genetic Resources and the Fair and Equitable Sharing of Benefits Arising from Their Utilization to the Convention on Biological Diversity, UN Doc UNEP/CBD/COP/10/27, Nagoya, 29 Oct. 2010.
- United Nations (2015) General Assembly ‘Resolution 69/292 on ‘Development of an International Legally Binding Instrument Under the United Nations Convention on the Law of the Sea on the Conservation and Sustainable Use of Marine Biological Diversity of Areas Beyond National Jurisdiction’.